

بررسی زبان در قرآن و نقش آن در زندگی انسان

پیشگفتار

زندگی واقعی است که انسان باید در راستای آن راه کمال را بییاید تا بتواند به هدف نهایی اش برسد. هدف نهایی در حرکت انسان، رسیدن به مقام والای انسانی، قرب الی الله و تخلق به اخلاق الهی است. برای حرکت صحیح در این مسیر و نیل به این هدف، برنامه و دستورالعمل صحیح لازم است تا رهرو بتواند، بی آنکه سرگردان شود در مسیر صحیح و رشد به تعالی قدم بردارد. این راه را باید در مرحله اول با ایمان به خدا شروع کرد، به کسی جز او دل نیست، و در راه اطاعت و عبادتش با اخلاص و کوشش گام برداشت؛ بدیهی است با تکرار عمل صالح و ادامه اطاعت و عبادت، روح آدمی صفا می یابد و برای ادامه مسیر آمادگی بیشتر پیدا می کند. در مرحله دوم انسان باید نفس خود را به تقوا زینت دهد و از محرّمات اجتناب کند، و با کسب تقوا و پرهیز از گناهان، به مدارجی از کمال روحی و تهذیب نفس دست یابد. در مرحله سوم باید از تمامی گناهانی که توسط اعضا و جوارح انسان سر می زند، و در این مسیر مزاحم او می باشد اجتناب کند و یکی از آن گناهان که خیلی خطرناک است بوسیله زبان انجام می شود. زبان از جوارح بسیار ارزشمند و مفید است، که فرد می تواند با سخنان عالمانه و مقالات حکیمان، جامعه را با کمال بسازد و از فرهنگ و دانش برخوردار نماید زبان می تواند با مواعظ حسنه و اندرزهای مشفقانه مردم را تربیت کند و به راه سعادت و رستگاری رهنمون سازد؛ همچون زبان از جوارح بسیار خطرناک و مضر نیز هست و آفت از سایر اعضا و جوارح بیشتر است. زبان گویا خصیصه بزرگی است که آفریدگار حکیم به بشر عطا فرموده است، سرمایه کران قدری که مایه پیشرفت علم و گسترش دانش در جهان است و می تواند انسان را در شئون مختلف به تکامل سوق دهد.

زبان در قرآن

آیا برای انسان دوچشم قرار ندادیم؟ و یک زبان و دو لب (سوره بلد، آیات ۹-۸) خداوند متعال در این آیات به مهمترین نعمتهایی که به انسان عطا فرموده اشاره می نماید، تا او را وادار به تفکر در خالق این نعمتها نماید، و با تحریک حسس شکرگزاری در درون جاننش او را به سوی معرفت خالق سوق دهد.

نعمت زبان و نقش آن در زندگی انسان

مهمترین وسیله ارتباط انسان با افراد بشر، و انتقال شفاهی اطلاعات از قومی به قوم دیگر و از نسلی به نسل دیگر به وسیله زبان انجام می شود، و اگر این وسیله ارتباطی نبود هرگز انسان نمی توانست تا این حد در علم و دانش و در مسائل معنوی پیشرفت کند. زبان که از اندامهای حسی است، یگانه وسیله سخن گفتن و فروبردن غذا است. ولی در قرآن در میان وظایف مختلف آن، روی نقش بیانگری آن تکیه می کند و از این زاویه به آن می نگرد، و این قسمت از هنرنمایی زبان آنچنان اهمیت دارد که دیگر وظایف آن را تحت الشعاع خود قرار داده است. انسان از طریق محاوره، مذاکره گفت و شنود و پرسش و پاسخ، می تواند با دیگران به گفتگ، مباحثه و مجادله پردازد. تعلیم و تربیت که زمینه رشد و تکامل انسان ها را فراهم می سازد، از طریق آموزش انجام می شود که مهمترین وسیله برقراری ارتباط، زبان است. قوه های مغزی انسان مانند فکرکردن و استدلال کردن از جمله قابلیت هایی هستند که امکان شناخت و کسب دانش، را فراهم می سازد و انسان به کمک زبان می تواند دیگران را از این گنجینه آگاه سازد. امیر المؤمنین علی(ع) می فرماید: «شخصیت انسان زیر زبان او نهفته است.» با این وصف ایجاب می کند که این عضو از

اندامهای حسی مایه رشد انسانیت بیانگر افکار و اندیشه و روشنگر شخصیت انسان شمرده می شود.

موقعیت زبان در قرآن

خداوند متعال پس از یادآوری آفرینش انسان، مسئله آموزش به کمک زبان را یادآوری می کند. بزرگترین مظهر لطف و مهربانی خدا به انسان این است که نعمت قدرت تکلم و بیان را به او ارزانی داشته است. خداوند رحمان، قرآن را به تعلیم فرمود، انسان را آفرید، و به او بیان را تعلیم داد. (الرحمن، آیات ۳-۱) در این آیه خداوند به یکی از مهمترین نعمتها بعد از نعمت آفرینش انسان اشاره می کند و می فرماید به انسان بیان را تعلیم دادیم. بیان از نظر مفهوم لغوی، معنی گسترده ای دارد و به هر چیزی گفته می شود که بین و آشکار کننده چیزی باشد. بنابراین نه فقط نطق و سخن را شامل می شود و بلکه کتابت و خط و انواع استدلالات عقلی و منطقی که مبین مسائل مختلف و پیچیده است همه در مفهوم بیان جمع است، هرچند شاخص این مجموعه همان سخن گفتن است. گرچه ما بدلیل عادت به سخن گفتن آن را مسئله ساده ای فکر می کنیم، ولی در حقیقت سخن گفتن از پیچیده ترین اعمال انسان است. اگر نقش بیان در تکامل و پیشرفت زندگی انسانها و پیدایش و ترقی تمدنها را در نظر بگیریم، اذعان خواهیم کرد که اگر این نعمت بزرگ نبود انسان هرگز نمی توانست تجربیات و علوم خود را به سادگی از نسلی به نسل دیگر منتقل سازد. قدرت بیان و تکلم در ادای رسالت رسولان الهی نقش مهمی دارد بگونه ای که حضرت موسی (ع) از خداوند می خواهد هر نوع لکنت را از زبان او بردارد. و گره از زبانم بگشا، تا سخنان مرا بفهمند. (طه، آیات ۲۷-۲۸)

حضرت موسی (ع) در این آیه تقاضای قدرت بیان کرد، چه اینکه می دانست موفقیت آن حضرت هنگامی است که قدرت ارائه و اظهار مطالب در صورت کامل وجود داشته باشد، و توانایی بازکردن گره های سخن که مانع درک و فهم شنونده می گردد به او داده شود، یعنی سخنش آن چنان فصیح و بلیغ باشد که همه مخاطبان منظور وی را درک کنند. همچنین آن حضرت از خدا خواست، برادرش را که در سخن وری فصاحت داشت برای ادای رسالت او را یاری دهد. اصولاً کار بزرگ پیامبر پیامبران که ابلاغ رسالت الهی است به شیوه انتقال شفاهی بوده، و برای همین جهت خداوند به پیامبر مکرم اسلام (ص) نوید می دهد که، ما پیام های خود را به زبان تو آسان کردیم تا بوسیله آن پرهیزکاران را بشارت دهی. ما قرآن را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزکاران را بوسیله آن بشارت دهی و دشمنان سرسخت را انداز کنی. (مریم، آیه ۹۷) پس زبان یگانه وسیله ای است که نیایش خداوند و بسیاری از فرایض مانداقامه نماز و ادای شهادت و اظهار ایمان و تحقق اسلام با آن صورت می گیرد. آنجا که خداوند می خواهد عنایت خود را نسبت به یکی از پیامبران بگونه ای ابراز کند او را به مقام کلیمی مفتخر ساخته و با او سخن می گوید و او را به پاسخ وامی دارد، چنانکه می فرماید: خداوند با موسی سخن گفت. (نساء آیه ۱۶۴) نزول وحی بر پیامبران مختلف است گاهی از طریق نزول فرشته وحی گاهی از طریق الهام بر قلب و گاهی از طریق شنیدن صدا، به این ترتیب که خداوند امواج صوتی را در فضا و اجسام می آفریده و از این طریق با پیامبران صحبت می کرده است. مقام و موقعیت و عظمت این نعمت چیزی نیست که بر احدی مخفی باشد. زبان گواه ضمیر، داور میان حق و باطل بیانگر حقایق اشیاء پدیدآورنده محبت و دوستی و وسیله سپاسگزاری است. خدمت بزرگی که زبان قرآن و لسان حضرت محمد (ص) در جامعه انسانی انجام داد، هیچ قدرتی توانایی انجام آن را ندارد.

اکنون پس از آگاهی از عظمت این عضو حساس در بدن، باید در مقابل، از مسئولیت آن نیز آگاه شویم و بدانیم که بوسیله همین عضو از اندامهای حسی بزرگترین خدمتها و عظیم ترین جنایات ها انجام می گیرد.

مسئولیت های زبان

هیچ سخنی را انسان تلفظ نمی کند، مگر اینکه نزد آن فرشته ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت است. (ق، آیه ۱۸) خداوند متعال در این آیه روی خصوص الفاظ و سخنان تکیه می کند و این به دلیل اهمیت فوق العاده و نقش مؤثری است که گفتار در زندگی انسانها دارد، تا آنجا که گاهی یک جمله مسیر اجتماعی را به سوی خیر یا شر تغییر می دهد. بسیاری از مردم سخنان خود را جزء اعمال خویش نمی دانند و خود را در سخن گفتن آزاد می پندارند در حالیکه مؤثرترین و خطرناکترین اعمال آدمی، همان سخنان اوست. عمومیت تعبیر آیه نشان می دهد که تمامی الفاظ و گفتار آدمی ثبت می شود. امام صادق (ع) می فرماید: هنگامی که دو مؤمن کنار هم می نشینند و بحث های خصوصی می کنند، حافظان اعمال به یکدیگر می گویند ما باید کنار رویم، شاید آنها سری دارند که خداوند آن را مستور داشته. راوی می گوید: مگر خداوند نمی فرماید: امام فرمود: اگر حافظان سخنان آنها را نشوند خداوندی که از اسرار با خبر است می شنود و می بیند. از این روایت استفاده می شود که خداوند برای اکرام و احترام مؤمن بعضی از سخنان او را که جنبه سری دارد از آنها مکتوم می دارد.

عظمت زبان در کلام و بیان

زبان مترجمان اندرون و سجایای یک انسان است، چنانچه حضرت علی (ع) می فرماید:

شخصیت مرد در زیر زبان او نهفته پنهان است وقتی که او حرف زد شخصیت وی معلوم می شود. قرآن شریف گفتار و بیان را از مواهب خداوند به حساب می آورد و آن را از آثار رحمت و برکت خدا می داند و تعلیم بیان یعنی گفتار و سخنوری را که در ضمیر انسان است در وجود او قرار داده است. در حقیقت سخن گفتن از شگفتی ترین اعمال انسان است، این صوتی است که از ریه و حنجره بدست می آید برخی نشانه خشم و برخی نشانه رضاست لذا نباید از این نعمت استفاده باطل نمود. انبیای الهی با سلاح بیان مجهز شده و مأمور به تبلیغ شده اند و بارزترین خصیصه از میان خصایص و فضایل انسان، همان بیان و تبیین تعلیم و تربیت است. قرآن وظیفه منحصر به فرد انبیا را ابلاغ معرفی کرده است. پیامبر وظیفه ای جز ابلاغ رسالت و دستورهای الهی ندارد (مائده آیه ۹۹) اگر نقش بیان را در تکامل و پیشرفت بشر و ترقی تمدن‌ها در نظر بگیریم، ادعان خواهیم کرد که اگر این نعمت بزرگ نبود، انسان هرگز نمی توانست تجربیات و علوم خود را از نسلی به نسل دیگر منتقل سازد. از امام زین العابدین (ع) سؤال شد از کلام و سخن گفتن و ساکت شدن کدام افضل است؟ امام (ع) فرمود: برای هر کدام از اینها آفاتی است وقتی از آفات سالم ماند سخن گفتن افضل است از سکوت، عرض شد چگونه می شود ای فرزند، پیامبر، امام فرمود: انبیا و اوصیا به خاموشی مبعوث نشده اند بلکه خداوند آنها را به سخنرانی فرستاده و بهشت با سکوت بدست نمی آید، و دوستی خدا را با سکوت نمی توان یافت، جلوی آتش دوزخ را با سکوت نمی توان گرفت، همه اینها با سخن گفتن بدست می آید. من هیچوقت بین ماه و خورشید برابری نمی گذارم، ولی تو می خواهی فضیلت سکوت را توصیف کنی و در مقام این نیستی که فضیلت سخن گفتن را از راه کم ارزشی سکوت، معرفی کنی. علی (ع) می فرماید: «اگر زبان گویا نباشد، بشر جزء هیکل و نقشی و یا چارپایی بیش نیست.»

علی (ع) میفرماید: «در انسان دو خصلت وجود دارد که تنها زبان آنها را آشکار می سازد. در مقام شهادت از باطن خبردهنده است. در مقام حکومت حکومت حل و فصل کننده است در مقام نطق به سئوالات جواب دهنده است در برابر نیازمندان شفاعت کننده است. در مقام توضیح مجهولات معرف انبیاء است. در مقام امارات دستور دهنده به کارهای نیک است، در مقام واعظ، از کارهای بد بازدارنده است، در موارد مصیبت و غصه تعزیت گوینده و تسکین دهنده است، در موارد حقد و حسد با مداحی آنها را از بین برنده است و خوش سراینده است که شنونده را به وجد می آورد.»

سخن نیک

به بندگانم بگو سخنی بگویند که بهترین باشد چرا که شیطان (بوسیله سخنان نا موزون) میان آنها فتنه و فساد می کند. (اسراء آیه ۵۳) خداوند متعال روش گفتگو و استدلال با مخالفان را می آموزد، چون اگر بحث و مجادله با روش صحیح توأم نگردد و بجای لطف و محبت خشونت بر آن حاکم گردد بی اثر خواهد بود. سخن بهتر یعنی مفید بودن از لحاظ محتوا، نوع بیان و توأم بودن با فضایل اخلاقی و روشهای انسانی. خداوند در این آیه روش بحث با دشمنان را به آنها می آموزد، چون گاهی مؤمنان طبق روشی که از قبل داشتند با هر کس که در عقیده با آنها مخالف بود به خشونت می پرداختند و آنها را صریحاً اهم جهنم و عذاب می خواندند. قرآن مؤمنان را از این کار بازمی دارد و دعوت به نرمش و لطافت در بیان و انتخاب بهترین کلمات را می کند تا از فساد شیطان بپرهیزند. در جای دیگر میفرماید: هنگامی که جاهلان آنها را مورد خطاب قرار می دهند و به جهل و سلامی که نشانه بی اعتنائی توأم با بزرگواری است و یکی از پدیده های روحی آنها تحمل و حوصله است. «ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا بپرهیزید و سخن حق و درست بگوئید.» (احزاب، آیه ۷۰) زبان پربرکت ترین عضو بدن و مؤثرترین وسیله اطاعت و هدایت و اصلاح است

و در عین حال خطرناکترین و پرگناه ترین عضو بدن محسوب می شود و در حدیثی از پیامبر نقل شده: ایمان هیچ بنده ای از بندگان خدا به راستی نمی گراید، مگر اینکه قلبش مستقیم گردد و قلبش مستقیم نمی شود مگر این که زبانش درست شود. در حدیثی از امام سجاده (ع) آمده است زبان هر انسانی هر روز صبح از اعضای دیگر احوالپرسی می کند و می گوید: چگونه صبح کردید؟ همه آنها در پاسخ این اظهار می گویند حال ما خوب است، اگر تو بگذاری! سپس اضافه می کنند تو را به خدا سوگند ما را رعایت کن، ما بوسیله تو ثواب می بینیم و مجازات می شویم. در این زمینه روایات بسیار است که همگی حاکی از اهمیت فوق العاده نقش زبان در اصلاح اخلاق و تهذیب نفوس انسانی دارد. در حدیثی می خوانیم: «هرگز پیامبر (ص) بر منبرش ننشست مگر اینکه این آیه را تلاوت می فرمود».

فواید سخن نیک

۱. اصلاح اعمال

خداوند متعال نتیجه قول (سدید) و سخن حق را چنین بیان می فرماید: بدلیل تقوا و گفتار حق، اعمال شما را اصلاح می کند و گناهان شما را می بخشد. (احزاب آیه ۷۱) در حقیقت تقوا سبب اصلاح زبان و سرچشمه گفتار حق است و گفتار حق یکی از عوامل مؤثر اصلاح اعمال است، و اصلاح اعمال سبب آموزش گناهان است. چرا که اعمال نیک گناهان را از بین می برند. (هود آیه ۱۴۴)

۲. افزایش روزی، طول عمر و محبوبیت در خانواده

امام سجاده می فرماید: سخن نیک باعث فزونی مال و زیادی رزق و طول عمر می شود و محبوبیت انسان را در خانواده اش زیاد می کند و آخرالامر وارد بهشت می شود.

۳. نشانه شیعه بودن

سلیمان بن مهران می گوید به محضر امام صادق(ع) وارد شدم و عده ای از شیعیان خدمت آن حضرت بودند شنیدم که فرمود: گروه شیعه باعث زینت و سربلندی ما شوید، باعث خجلت ما نشوید و با مردم سخن نیک بگویید زبانتان را از سخنهای زیادی و بی معنی حفظ کنید.

۴. بهترین انفاق

پیامبر گرامی(ص) فرمود: قسم به آن کس که جانم در دست اوست، هیچ انفاقی نزد من بهتر از سخن خیر و نیک نیست.

۵. بهترین اعمال

راوی می گوید: شخصی لجام اسب پیامبر را گرفت و عرض کرد: با رسول الله کدام اعمال بهتر است. پیامبر گرامی(ص) فرمود: طعام دادن و نیک سخن گفتن.

۶. اعمال نیکان

علی(ع) می فرماید: سخن نیک و خیر بگویید تا بوسیله آن شناخته شوید و به آن عمل کنید تا از اهل خیر و نیک باشید.

۷. ابواب نیک

علی(ع) می فرماید: سه چیز از درهای نیکی است، نفس نیک، و سخن پاک و نیکو و تحمل و صبر بر مشکلات.

سخن حق

یکی از استفاده هایی که باید از زبان نمود این که همواره انسان سخن حق بگوید هرچند مشقت بار و سنگین باشد، اما ارزش حق در اسلام به قدری مهم است که باید سختی و مشقت آن را

تحمل نمود و قرآن سفارش می کند که مشقت حق گویی موجب نشود که حق ترک گردد و به باطل و نادرستی گرایش یابد.

قرآن و احترام به حق

ای کسانی که ایمان آوریده اید، قیام به عدالت کنید، برای خدا گواهی دهید، اگر چه به زبان خود شما باشد. (نساء آیه ۱۳۵) قرآن بخصوص در مورد شهادت و گفتن حق دستور می دهد که همه ملاحظات را کنار بگذارید و فقط بخاطر خدا، شهادت به حق دهید، مقیاس را حب و بغض قرار ندهید. مؤمن واقعی کسی است که در برابر حق، هیچگونه ملاحظه ای نداشته باشد، حق به معنای متعددی آمده است، گاهی حق، به معنای عدل در مقابل ظلم و گاهی حق به معنای صحیح و صواب است و گاهی هم حق به معنای واقع و نفس الامر در مقابل ناحق و غیرواقعی استعمال شده است. مسلمانان باید در سخنان خود همیشه این مطلب را رعایت نمایند، اگرچه لازمه آن تحمل مشقت و سختی باشد. امام عسگری (ع) فرموده است: هیچ عزیزی حق را ترک نگفته جز آن که ذلیل و خوار شده است؛ و هیچ دلیلی حق را اخذ ننموده، جز آنکه به عز و بزرگی رسیده است. امام باقر (ع) می فرماید: پدرم حضرت زین العابدین (ع) موقعی که مرگش فرارسیده بود مرا به سینه چسباند و به من فرمود: ترا وصیت می کنم به چیزی که پدرم در موقع مرگ به من وصیت نمود و فرمود پدرم این وصیت را به من فرموده است: برای حق بردبار و صابر باش، اگرچه تلخ و ناگوار باشد. به حق سخن گفتن و طبق حق عمل نمودن همیشه و همه جا مطلوب شرع مقدس و مایه رحمت الهی است، ولی در بعضی از مواقع گفت یک کلمه حق در مقابل قدرتمندی ستمگر بسیار ارزنده و مهم است. رسول گرامی اسلام (ص) فرموده است: که بالاترین جهاد، گفتن کلمه حق نزد سلطان ستمکار است. شرط اصلی عمل کردن به حق شناختن حق می باشد در برخی مواقع بر اثر

حوادث و رویدادهای مختلف جامعه دچار اختلاف شدید می گردد و حق و باطل چنان آمیخته می شود که تمیز بین آنها برای اکثر مردم مشکل می شود و در گزینش خط مشی خود دچار حیرت می گردد، بعضی ممکن است تحت تأثیر افرادی قرا رگیرند که بین مردم قدر و منزلتی دارند، و گمان کنند پیروی از آنها مایه وصول به سعادت است در حالیکه در چنین موقع خطیری هر فرد باید وظیفه خویش را انجام دهد و به مسئولیت شخصی خود بیندیشد، و عقل خود را بکارگیرد تا حق را بشناسد و آن را ادا کند؛ و باید عقل را از تمام قیدوبندهای اسارت که سد راه واقع بینی است آزاد سازد و در مرحله بعد از خداوند متعال استمداد نماید که او را هدایت نماید و او بتواند حق را بر زبانش جاری کند، چون اگر حق را شناخت و با خلوص و برای نیل به حق به پیش رفت، قطعاً خداوند وعده خود را درباره او عملی می نماید و هدایتش می کند. خواسته امام زین العابدین(ع) در قسمتی از دعای مکارم الاخلاق از درگاه خداوند متعال این است که و القول بالحق و ان عز مسلمانان همواره سخن حق بگویند. افتخار پیروی حق در درجه اول برای انبیای الهی است، و سپس برای کسانی است که پیرو انبیا هستند. علی(ع) فرموده است: شبیه ترین مردم به پیامبران خدا کسانی هستند که سخن حق بیشتر بگویند و در عمل به حق بردبارترند. و در قسمت دیگر از دعای مکارم الاخلاق می خوانیم، بارالها! مرا زبانی گویا قرارده تا در مقابل کسی که با من خصمانه سخن می گوید پیروز گردم.

اظهار حق

حق چیز ثابت و غیر قابل انکار است عقل و نقل در مدح و حسن ذاتی آن اتفاق دارند و آیات قرآن به تبعیت از حق و ترویج حق و احیای ن تأکید می کند. امام هفتم(ع) بعضی از شیعیان را که موعظه می نمود می فرمود: تقوای الهی را پیشه کن، و حق را بگو ولو به ضرر تو باشد. بدرستی که

در آن نجات توست؛ و باطل را ترک کن ول نجات تو در آن باشد همانا هلاکت تو در آن است. امام صادق(ع) فرمود سه طایفه است که آنها روز قیامت نزدیکترین خلق به خداوند هستند تا این که از حساب فارغ شوند....، تا آنجا که فرمود مردی است که حق را در خیر و ضرر خود بگوید. امام باقر(ع) می فرماید: حق را بگو ولو بر ضرر تو باشد.

دفاع از حق

سالهای آغاز بعثت پیامبر(ص) بود یک نفر عرب بادیه نشین یک ظرف چرمی به ابوجهل فروخته بود، ولی ابوجهل در دادن قیمت آن امروز و فردا می کرد و حق او را نمی داد او نزد قریشیان آمد و گفت: «مرا در گرفتن حقم از ابوالحکم (ابوجهل) یاری کنید». قریشیان از همین موضوع، توطئه ای برضد پیامبر طرح کردند و آن توطئه این بود که می خواستند در ضمن آن عرب بیابانی را مسخره کنند و ابوجهل را برضد پیامبر(ص) تحریک نمایند بر همین اساس، به آن عرب بادیه نشین گفتند: «برو کنار کعبه، در آنجا محمد(ص) نماز می خواند، از او بخواه تا تو را در گرفتن حقت، کمک کند». عرب کنار کعبه رفت و به حضور پیامبر(ص) رسید و گفت: «مرا برای گرفتن حقم از ابوجهل، کمک کن». پیامبر(ص) فرمود: «باشد تو را کمک می کنم». همان دم برخاست و همراه آن عرب را به در خانه ابوجهل آمدند و حلقه در را کوبید، ابوجهل از خانه بیرون آمد. وقتی چشمش به سیمای محمد(ص) افتاد با خشم و تندی گفت: «برای چه به اینجا آمده ای؟» پیامبر(ص) فرمود: «حق این عرب را به او بده». ابوجهل جواب مثبت داد و گفت: حقتش را خواهم داد، سرانجام آن عرب، حق خود را از ابوجهل گرفت و سپس به عنوان تشکر نزد قریشیان آمد و گفت: «خدای جزای خیر به شما بدهد، مرا به محمد(ص) راهنمایی کردید، و او مرا کمک کرد و حق مرا از ابوجهل گرفت.

سلام

یکی از فواید زبان سلام کردن است. این سنت به حدی مهم است که قرآن مجید در موارد متعدد با صراحت به آن امر کرده و در روایات اهل بیت(ع) درباره آن تأکید شده و پاداش زیادی برای آن در نظر گرفته شده است و از ترک سلام نکوهش شده است. و هنگامی که کسی به شما تحیت گوید، پاسخ آن را بطور بهتر دهید و یا به همانگونه پاسخ گوئید. (نساء آیه ۸۶) «تحیت» در لغت از ماده حیات است و به معنی دعا برای حیات دیگری کردن است، خواه این دعا به صورت(سلام علیک) یعنی خداوند تو را به سلامت دارد و یا حیاک الله، خداوند تو را زنده بدارد. ولی معمولاً از این کلمه هر نوع اظهار محبتی را که افراد بوسیله سخن با یکدیگر می کنند شامل می شود که روشن ترین مصداق آن همان موضوع سلام کردن است. در بعضی از تفاسیر است که منظور از تحیت در آیه سلام وهرگونه نیکی کردن است.

سلام تحیت بزرگ اسلامی

تمام اقوام دنیا وقتی به هم می رسند برای اظهار محبت به یکدیگر نوعی تحیت دارند که گاهی جنبه لفظی دارد و گاهی به صورت عملی است. در اسلام، سلام یکی از روشن ترین تحیت هاست. از پاره ای از آیات قرآن نیز استفاده می شود که تحیت اهل بهشت، سلام است. و تحیت آنان در آنجا سلام است. (ابراهیم آیه ۲۳)

برای سلام معنای مختلف ذکر کرده اند.

۱. سلام، اسم خدای عزوجل است و مراد آن است که خداوند حافظ تو باشد؛

۲. سلام، به معنی تسلیم؛

۳. سلام به معنای سلامتی.

ریشه تمام معانی ذکر شده سلامتی است، به همین جهت خداوند عزوجل را سلام می گویند، زیرا خداوند مردم را از بلاها و آفات و شرور و نقایص حفظ می کند و یا به این جهت است که ذات مقدس از جمیع نقایص سالم است. کلمه سلام در قرآن زیاد تکرار شده است. هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان آورده اند به سراغ تو بیایند، به آنها بگو سلا بر شما. (انعام، آیه ۵۴) این سلام ممکن است از ناحیه خدا و بوسیله پیامبر(ص) بوده باشد و یا مستقیماً از ناحیه خود پیامبر(ص) و در هر حال بر پذیراشدن و استقبال کردن و تفاهم و دوستی با آنهاست. یکی از آثار فردی سلام این است که با گفتن سلام انسان خود را به طرف مقابل نزدیک نموده و با تکرار واژه ادب روح و روان خود را از لحاظ نزدیکی به ایشان از رذایل و آلودگی ها پاک می کند.

مراد از سلام در زیارتنامه ها

معنای سلام در این موارد آن است که سلام تحیت خداشت و تحیت خدا، اکرام و تعظیم از جانب او و رساندن به درجه قرب به آن ارواح مطهره است و یا سلام به معنای تسلیم است، یعنی خدا آنها را از جمیع نقایص و عیوب سالم بدارد و به درجات بالا برساند و یا آنکه زائر با سلام خود اعلام می دارد که هیچ آسیبی و صدمه ای از ناحیه او به آن بزرگواران در هیچ زمانی نمی رسد و قهراً انجام گناهان و ترک دستورات الهی و انسانی موجب آزار آن پاکان می گردد لذا به پاک نمودن دل از رذایل، سلامتی خود را تضمین می نماید. همچنین با سلام و درود بر آنان جهت گیری اجتماعی و سیاسی خود را اعلام می دارد. و از آیات قرآن استفاده می شود که تحیت به معنی سلام در اقوام پیشین نیز بوده است. در آن زمان که بر او (ابراهیم) وارد شدند و گفتند: سلام بر تو، او گفت سلام بر شما که جمعیتی ناشناخته اید (ذاریات، آیه ۲۵) امام باقر(ع) می فرماید که پیامبر(ص) فرمود: وقتی همدیگر را ملاقات می کنید و به هم می رسید با سلام کردن به همدیگر و

مصافحه با یکدیگر ملاقات کنید؛ و زمانی که از هم جدا می شوید با طلب استغفار از یکدیگر جدا شوید. امام صادق(ع) فرمود: از اموری که موجب بخشیدن خداوند است سلام کردن و نیکو صحبت کردن است.

پاداش سلام کردن

رسول گرامی اسلام (ص) فرمود: در بهشت خانه هایی وجود دارد که برون آن از درون و درون آن از برون دیده می شود، از امت من کسانی که سخن خوب بگویند و مردم را اطعام نمایند و بطور آشکار سلام کنند، در این خانه ها سکونت خواهند کرد. از تواضع انسان این است که به هر کس که برسد بر او سلام کند. پیامبر اسلام(ص) فرمود: ای انس به هر کس برخورد نمودی سلام کن که خداوند بر حسنات تو می افزاید و در خانه ات سلام کن که خداوند برکاتش را زیاد می کند. امام صادق(ع) فرمود: هر کسی که سلام علیکم و رحمه الله بگوید خداوند بیست حسنه در اعمال او می نویسد. پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود: هرکسی که ده نفر را ملاقات کند و به آنها سلام کند، خداوند ثواب یک بنده آزادکردن را به او می دهد.

قرائت قرآن

یکی از فواید زبان که بوسیله آن می توان راههای تکامل روح را پیمود سخن گفتن با خداست تلاوت قرآن کریم و تدبیر کردن در آیاتش موجب رستگاری در دنیا و آخرت است. بنابراین قرائت قرآن غذای کامل روح است و موجب رشد معنوی و تکامل همه جانبه خواهد بود قرآن مجید در بردارنده برنامه ای کامل برای زندگی بشر است زیرا دین مقدس اسلام که کاملترین و برترین دین الهی است، بهتر از همه ادیان سعادت زندگی بشر را تأمین می کند. اصول اعتقادی اسلام و برنامه زندگی و احکام اسلامی که یک سلسله معارف اعتقادی و قوانین اخلاقی است، ریشه اصلی آنها در

قرآن است که برنامه زندگی بشر را بیان می کند. انسان در زندگی خود هرگز هدفی جز سعادت ندارد و این هدف جز با برنامه دقیق صورت نمی گیرد. اساساً در قرآن کریم، دین به راه و رسم زندگی اطلاق می شود، زیرا زندگی انسان بدون داشتن راه و روش خواه از ناحیه نبوت و وحی باشد یا از راه قرارداد و قوانین بشری به پیش نمی رود. قرآن مجید کتابی است کامل که دربردارنده تمامی معارف و مقاصد کتب آسمانی پیش از خود اوست و هرچیزی که بشر در راه سعادت و خوشبختی از اعتقاد و عمل به آن نیازمند باشد در این کتاب بیان شده است. معلوم است که منظور از تلاوت در اینجا کسب معرفت و پرورش ایمان و تقواست. (ای پیامبر بگو) من مأمورم پروردگار این شهر مقدس (مکه) را عبارت کنم همان کسی که این شهر را حرمت بخشید. در حالیکه همه چیز از آن اوست و من مأمورم که از مسلمین باشم و این که قرآن را تلاوت کنم. ابزار و اصول به دو هدف و مأموریت اصلی خود که پرستش خداوند یگانه و دیگری تسلیم مطلق در برابر فرمان اوست قرائت قرآن بیان می کند، تا از فروغ آن شعله گیرم و از چشمه آب حیاتش جرعه ها بنوشم و در همه برنامه ها بر راهنمایی آن تکیه کنم. آری این وسیله من است برای رسیدن به آن دو هدف مقدس.

ثواب قرائت قرآن:

درباره قرائت قرآن سفارشات زیادی از ائمه اطهار(ع) به ما رسیده است، حتی در تاریخ عاشورا می خوانیم هنگامی که دشمن می خواست به سوی خیام امام حسین(ع) حمله کند، امام حسین(ع) به برادرش حضرت ابوالفضل فرمود: به آنها بگو امشب را به ما مهلت بدهند زیرا خدا می داند که من نماز، تلاوت قرآن و دعا را دوست داریم. در سیره حضرت رضا(ع) است که آن امام همام، در هر سه روز یکبار، تمام قرآن را تلاوت می کرد. و می فرماید اگر سؤال شود که چرا خداوند امر

فرمود به قرائت سوره حمد در نماز می گویم: برای اینکه قرائت قرآن متروک نشود و همواره نمازگزاران با قرآن ارتباط داشته باشند. علی(ع) می فرماید: قرآن را نیکو بخوانید زیرا که آن بهتر یا سودمندترین گفتار و قصه هاست و از آن شفا طلب کنید، پس برآستی که آن شفای سینه هاست. همچنین در جای دیگر می فرماید: افزون ترین ذکر قرآن است که بوسیله آن سینه ها، معارف دقیق و علوم را فهمیده و پوشیده ها روشن می گردد. حضرت امام باقر(ع) می فرماید: هرکسی قرآن را در حال ایستاده، در نمازش بخواند، خداوند به هر حرفی از آن، صد حسنه برای او بنویسد و هر کس آن را در نمازش نشسته بخواند، خداوند به هر حرفی پنجاه حسنه برایش بنویسد و هرکسی قرآن را در غیر از نمازش بخواند، خداوند به هر حرفی ده حسنه برایش می نویسد. علی(ع) می فرماید: هر کسی در هر روز صد آیه قرآن را با ترتیل و با آرامش بخواند خداوند به مقدار ثواب تمام کسانی که در روی زمین عمل انجام می دهند به وی می دهد. امام حسین(ع) فرمود: اگر کسی قرآن را شبانه روز ختم کند فرشتگان تا صبح برای او رحمت می فرستند و اگر در روز آن را ختم کند، تا شام فرشتگان نگهبان بر او رحمت می فرستند و یک دعای مستجاب شده نزد خداوند دارد و این ختم قرآن برای او بهتر است از آنچه میان زمین و آسمان است. پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود: ای مسلمان! بر تو باد قرائت و خواندن قرآن بدرستی که برای خواندن قرآن کفاره گناهان است و نگهدارنده ای از آتش و امان از عذاب آخرت است و برای هر آیه ای که کسی می خواند ثواب صدشهید و به تعداد هر سوره پاداش نبی به او داده می شود و بر خواننده قرآن رحمت خدا نازل می شود و ملائکه برای او استغفار می کنند. و بهشت مشتاق اوست و مولای از او راضی می شود و مؤمن زمانی که قرن می خواند خداوند با نظر رحمت به او نگاه می کند و بدنش را بر آتش جهنم حرام می کند و از قبر که بیرون می آید خداوند خودش و پدر و مادرش را می آمرزد. ای

مسلمان! وقتی مؤمن قرآن را قرائت می کند، خداوند درهای رحمت را به سوی او باز می کند و به هر حرفی که از دهانش بیرون می آید، ملکی را خلق می کند که او را تا قیامت تسبیح می کند.

سکوت

« سکوت» از اسباب حکمت به شمار می رود، با خاموشی و سکوت فکر انسان به کمال می رسد، و با تفکر دقائق علم حکمت به دست می آید و کسب محبت بوسیله سکوت شاید به این جهت باشد که عمده عوامل عداوت ناشی از منازعه، مجادله، فحش، غیبت و نظایر آنهاست؛ و وقتی انسان با سکوت از این آفات سالم ماند، نسبت به خدا و مخلوق محبوبیت پیدا می کند. زبان جولانگاهش بسیار وسیع و میدان فعالیتش دارای ابعاد گوناگون است و اگر این عضو با لجام دین مهار نشود، شیطان می تواند آن را در هر وادی راهنمایی نماید و به گمراهی بکشاند. شایان توجه است که سکوت در جایی است که سخن بی فایده ضرر دینی و یا اخلاقی و سیاسی داشته باشد، وگرنه در مواردی که سخن آثار پر بار و منافع و فواید بسیار داشته باشد در این موارد لازم و واجب است. سخن ما در موردی است که در آنجا سخن گفتن به ضرر انسان یا جامعه شود، در اینگونه موارد سکوت برای انسان دارای بهترین فایده است. واژه صمت در لغت به معنای سکوت و خاموشی است و در اصطلاح علم اخلاق حفظ زبان و گفتارهای بی فایده و سخن بی مورد است و آن از اخلاق انبیاء و اولیای خدا می باشد و حفظ زبان از پرفایده ترین حالات انسان است، زیرا که خطر زبان و آفات که در بخش دوم از آن بحث می شود از بزرگترین خطرهایست. پیامبر(ص) فرمود: مواظب باش به خاموشی که آن شیطان را از تو دفع می کند او در امور دینی بهترین کمک است. روایت از امام صادق(ع) از پدران بزرگوارش نقل می کند که امیرالمؤمنین(ع) فرمود: تمام نیکی ها در سه خصلت جمع شده: نگاه کردن، سکوت کردن و سخن گفتن. هر نگاهی که در او

عبرت نباشد این بی فایده است، و هر سکوتی که در آن فکر و تفکر نباشد آن غفلت است، و هر سخنی که در آن ذکر خدا نباشد آن لغو و بیهوده است خوشا به حال کسی که در نظر و نگاهش عبرت باشد و سکوتش توأم با فکر باشد و سخنش با ذکر او باشد؛ و به گناهانش گریه کند و مردم از شر او در امان باشند. پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود بزرگترین شخصیت انسان آن است که آن چیزی که فایده ندارد، ترک کند. امام صادق(ع) فرمود: خواب راحتی جسم است، و سخن گفتن برای روح راحتی است و سکوت کردن برای عقل . پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود: به غیر ذکر خداوند زیاد سخن نگوئید به درستی که سخن زیاد بدون ذکر خداوند قساوت قلب می آورد، دورترین مردم از رحمت خداوند کسی است که قلب قسی داشته باشد. امام صادق(ع) فرمود: نجات مؤمن در حفظ کردن زبانش است. پیامبر گرامی اسلام(ص) می فرماید: شما شش خصلت را قبول کرده و عمل کنید و من هم برای شما بهشت را تقبل می کنم، هنگام سخن گفتن دروغ نگوئید، هنگام وعده دادن تخلف نکنید، در امانت خیانت نکنید، چشمانتان را از نامحرمان بپوشانید، و عرض و آبروی خود را حفظ کنید و جلوی دست و زبانتان را بگیرید. پیامبر(ص) فرمود: راحتی انسان در نگهداشتن زبان است، و حفظ و حبس زبان باعث سلامت انسان است. پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود: برای عاقل لازم است به زمان خود آگاه باشد، و بر شخصیت و شئون خود متوجه شود و حافظ زبان خود گردد، و هرکس گفتارش را جزء اعمالش به حساب آورد گفتارش کم می شود جز در موارد خیر. امام رضا(ع) فرمود: از نشانه های فقاقت بردباری و علم و خاموشی است همانا خاموشی یکی از درهای حکمت است، بدرستی که خاموشی و سکوت محبت می آورد و راهنمای هر امر خیری می باشد. امام صادق(ع) فرمود: لقمان به پسرش گفت: پسر جان اگر خیال کنی سخن از نقره است بدانکه خاموشی از طلا است. مردی به حضرت ابوالحسن(ع) عرض کرد

مرا سفارشی نما، فرمود: زبانت را نگهدار تا عزیز باشی و افسار را به دست مردم مده که خوار و

زبون شوی.